

اقتصاد و توسعه منطقه‌ای سال بیست و هشتم، دوره جدید شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
تأثیر درآمد حاصل از منابع طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی کشورهای منتخب
در سطوح مختلف فساد در چارچوب پانل پویای آستانه‌ای

سکینه اوجی مهر^۱
بخش اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی،
دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

DOI: 10.22067/erd.2021.67970.1007

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

آزادی اقتصادی از جمله شاخص‌های تأثیرگذار بر متغیرهای مختلف اقتصادی است. شواهد، حاکی از آن است که این شاخص در کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی (کشورهایی با بیشترین درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی به صورت درصدی از تولید ناخالص طی ۲۰۱۷-۲۰۲۰)، دارای وضعیت مناسبی نیست. از آنجاکه رانت جویی و فساد معمولاً از ویژگی‌های کشورهای دارای وفور منابع است، تحقیق حاضر، تلاشی در جهت یافتن پاسخ به این سؤال است که در این کشورها، فساد چه تأثیری بر شاخص آزادی اقتصادی دارد؟ علاوه بر این، آیا فساد می‌تواند بر نحوه اثرگذاری درآمد طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی، اثر بگذارد؟ بدین منظور با استفاده از داده‌های چهارده‌گانه کشور منتخب طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۲۰، به بررسی نحوه اثرگذاری درآمد طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی پرداخته شده است. در این تحقیق از شاخص ادراک فساد به عنوان متغیر آستانه در یک مدل پانل پویای آستانه‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در صورتی که شاخص ادراک فساد، کمتر از ۳۲ باشد، درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی دارای تأثیر منفی بر آزادی اقتصادی است. این در حالی است که برای کشورهایی که دارای شاخص ادراک فساد بالاتر از سطح آستانه هستند (کشورهایی که سطح فساد کمتری دارند)، درآمد طبیعی نمی‌تواند تأثیر معناداری بر آزادی اقتصادی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: آزادی اقتصادی، کشورهای غنی از لحاظ منابع طبیعی، ادراک فساد، پانل پویای آستانه‌ای.

طبقه‌بندی JEL: C23, Q43, E14

^۱ نویسنده مسئول: s.ojimehr@shirazu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

صفحات: ۱۷۵-۲۰۲

۱. مقدمه

شاخص آزادی اقتصادی از سال ۱۹۹۵ توسط بنیاد هریتیج^۱ تهیه شده است. طی ۲۵ سال گذشته، میانگین جهانی نمره این شاخص ۲/۳ رشد داشته و بسیاری از کشورهای دنیا به گروه کشورهای آزاد در حد متوسط^۲ پیوسته‌اند. شاخص آزادی اقتصادی دارای دوازده جنبه بوده که در چهار گروه، دسته بندی شده است. این چهار گروه شامل حاکمیت قانون (حقوق مالکیت، اثر بخشی قضایی، یکپارچگی دولت)، اندازه دولت (بار مالیاتی، مخارج دولت، سلامت مالی)، کارایی نظارتی (آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کار، آزادی پولی)، بازبودن بازارها (آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی) است.

شاخص آزادی اقتصادی از جمله شاخص‌های مهم در اقتصاد است که اثرگذاری آن بر متغیرهای کلیدی اقتصاد مانند رشد اقتصادی^۳، فساد^۴، هزینه مبادله^۵، امید به زندگی^۶، نوسانات اقتصادی^۷، مهاجرت نخبگان^۸، شفافیت سیاست پولی^۹، توسعه کارآفرینی^{۱۰}، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی^{۱۱}، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^{۱۲}، کسری بودجه^{۱۳} و عملکرد بانک‌ها^{۱۴}، مورد آزمون قرار گرفته است.

^۱Heritage

^۲Moderately Free

^۳ این تأثیر در مطالعات، Razmi, Razmi. & Shahraki. (2009), Shahabadi & Bahari (2014),

Khodaparast Mashhadi. Fallahi. & Ariana. (2014)

, Nakhaei. Khoshnoodi. & Dashtban. (2015), Amiri. Nowruzi, Amouqin. F. Pirdadeh

, Sameti, Shahnazi & Dehghan Shabani (2006) Biranvand. Et al (2018) و در میان مطالعات خارجی،

مطالعه (Tortensson (1994), Gwartney, Lawson and Holcombe (1999), (Ali and Crain (2002).

(2003), Dawson (2003), Cebula (2013), (2009), Béland and Tiagi, Hussain and Haque (2016), (2017).

Nordin and Nordin (2018), Liao (2018) مشاهده شده است.

^۴ این تأثیر نیز در مطالعات Sameti, Shahnazi & Dehghan Shabani (2006) و Graeff and Mehlkop

(2003), (Jichi and Cabro (2019), Alsarhan (2019) مشاهده شده است.

^۵ Sameti. Gugerdchian. & Gugerdchian (2010)

^۶ Fetr, Akbari Shahrestani & Mirzaei. (2012)

^۷ Rahman, Behpour & Shojauddin. (2013)

^۸ Shahabadi & Jameh Bozorgi (2014)

^۹ Sattari, Heidari. & Etemadi. (2016)

^{۱۰} Mohammadzadeh, Hekmati & Ashrafi (2016)

^{۱۱} Shahabadi & Moradi (2016)

^{۱۲} Mohammadzadeh & Yahyavi Dizaj (2017), Economou (2019) و Xu (2019)

^{۱۳} Hashemi (2017)

^{۱۴} Daei Karimzadeh & Soleimani. (2017)

تعدد این مطالعات حاکی از اهمیت شاخص آزادی اقتصادی دارد؛ بنابراین علاوه بر نحوه اثرگذاری آن بر اقتصاد، باید به عوامل تعیین کننده آن نیز توجه داشت.

بیشتر محققان شاخص آزادی اقتصادی را متأثر از عوامل نهادی می‌دانند. این عوامل عبارتند از حکمرانی خوب^۱، آزادی سیاسی و دموکراسی^۲، فساد^۳، نظریه انتخاب عمومی^۴، کثرت‌گرایی قومی در جوامع مستبد و آزاد^۵ و ایدئولوژی دولت^۶.

این در حالی است که برخی مطالعات، آزادی اقتصادی را متأثر از شرایط اقتصادی و ثروت هر کشور می‌دانند. سرمایه‌گذاری و ارزش‌افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی^۷، کمک‌های خارجی و درآمد سرانه^۸، منابع طبیعی و صادرات انرژی^۹، از جمله متغیرهای اقتصادی است که توسط محققان مد نظر قرار گرفته است.

اقتصاد کشورهای دارای وفور منابع طبیعی همواره تحت تأثیر این نعمت خدادادی بوده است. گاهی با مدیریت نادرست، نعمت منابع به نفرین منابع تبدیل شده و گاهی با بهبود شاخص‌های حکمرانی، به نحوه شایسته از این نعمت استفاده شده است. رانت جویی، فساد و سرکوب مالی از جمله ویژگی‌های است که می‌تواند به دلیل وجود درآمدهای بی‌حساب حاصل از فروش منابع طبیعی، گریبانگیر این اقتصادها شود. این ویژگی‌ها می‌تواند بر تمام متغیرهای کلیدی از جمله آزادی اقتصادی، مؤثر باشد. شواهد^{۱۰} حاکی از آن است که شاخص آزادی اقتصادی در این کشورها، نسبت به سایر کشورهای دنیا، از وضعیت جالبی برخوردار نیست. تحقیق حاضر در جستجوی یافتن پاسخ مناسب به این سؤالات است: فساد موجود در کشورهای با وفور منابع، چه تأثیری بر آزادی اقتصادی در این کشورها دارد؟ همچنین سطح فساد چگونه

¹ Shahabadi & Ganji (2015)

² De Haan & Sturm (2003)، Motefakker Azad. Asadzadeh, Amini Khozani. & Shirkesht. (2013)

³ Emerson (2006)، Apergis, Dincer & Payne (2012)، Yamarik & Redmon (2017)، March, Lyford and Powell (2015)

⁴ Grubel (2015)

⁵ Heckelman and Wilson (2015)

⁶ Castro and Martins (2020)

⁷ Sayari, Sari and Hammoudeh (2018)

⁸ Powell and Ryan (2008)

⁹ Campbell and Snyder (2012)

^{۱۰} مقادیر مربوط به آزادی اقتصادی کشورهای با وفور منابع در جدول شماره ۱ جمع آوری شده است.

اثرگذاری در آمد حاصل از فروش منابع طبیعی بر آزادی اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ برای رسیدن به پاسخ این سؤالات از داده‌های ۴۹ کشوری که به‌طور متوسط بیشترین درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی نسبت به تولید ناخالص داخلی طی ۲۰۱۷-۲۰۰۲ را در بین کشورهای جهان داشته‌اند، استفاده شده است. برای تخمین مدل نیز از چارچوب پانل پویای آستانه‌ای استفاده شده است. در این مدل، متغیر فساد به‌عنوان آستانه در نظر گرفته شده است.

در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش، مقاله حاضر به این صورت ساماندهی شده است که پس از مقدمه، وضعیت آزادی اقتصادی و فساد در کشورهای با وفور منابع، بررسی شده است. در ادامه، مبانی نظری و سپس سابقه تجربی پژوهش بیان شده است. سپس تصریح مدل و پس از آن، نتایج تجربی ارائه شده است. در پایان نیز، بحث و نتیجه‌گیری آمده است.

۲. وضعیت آزادی اقتصادی و فساد در کشورهای با وفور منابع

آمار برگرفته از سایت اقتصاد جهانی^۱ نشان می‌دهد که کشورهای الجزیره، آنگولا، آذربایجان، بولیوی، بورکینافاسو، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، چاد، شیلی، اکوادور، مصر، گینه استوایی، اتیوپی، گابن، غنا، گینه، گینه بیسائو، گویان، ایران، قزاقستان، کویت، لائوس، لیبی، مالزی، مالی، موریتانیا، مغولستان، موزامبیک، نیجر، نیجریه، نروژ، عمان، پرو، قطر، جمهوری کنگو، روسیه، عربستان، سیرالئون، سورینام، توگو، ترینیداد و توباگو، ترکمنستان، اوگاندا، امارات، ازبکستان، ونزوئلا، یمن، زامبیا، زیمبابوه، چهل‌ونهم کشوری هستند که به‌طور متوسط، طی ۲۰۱۷-۲۰۰۲، بیشترین درآمد حاصل از منابع طبیعی به‌صورت درصدی از تولید ناخالصی داخلی را به خود اختصاص داده‌اند.^۲

بررسی متوسط شاخص آزادی اقتصادی در این کشورها نشان می‌دهد که بیشتر آن‌ها، اقتصادهای ناآزاد دارند. همان‌طور که جدول ۱، نشان می‌دهد که به‌جز کشورهای شیلی، کویت، عربستان، عمان، قطر، امارات، مالزی، نروژ، اوگاندا، پرو، ترینیداد و توباگو، که در وضعیت آزاد متوسط هستند، بقیه کشورها، اقتصاد ناآزاد یا سرکوب شده دارند. همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد این کشورها بیشتر در آفریقا، امریکای جنوبی و غرب آسیا قرار دارند.

^۱ Accessed March 20, 2020.. www.theglobaleconomy.com

^۲ دو کشور عراق و برونی به دلیل نداشتن داده‌های آزادی اقتصادی از تحلیل‌ها حذف شده‌اند.

شکل ۲، وضعیت فساد در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۷ را نشان می‌دهد. بر اساس این شکل می‌توان مشاهده کرد که کشورهای یمن، لیبی، گینه بیسائو، گینه استوایی، ونزوئلا، ترکمنستان، آنگولا، چاد، کنگو، زیمبابوه، ازبکستان، بروندي، موزامبیک، اوگاندا، نیجریه، گینه، موریتانیا، روسیه، لائوس و ایران دارای شاخص ادراک فساد بین ۹ تا ۳۰ هستند؛ به عبارت دیگر این کشورها به ترتیب، دارای بدترین وضعیت از نظر شاخص فساد هستند. با مقایسه این آمار با موارد ذکر شده در جدول و شکل ۱ می‌توان دید که به غیر از کشور اوگاندا، سایر کشورهای مذکور، اقتصادهای ناآزاد یا سرکوب شده دارند. لازم به ذکر است که از آنجا که این کشورها جزء کشورهای با وفور منابع هستند پس می‌توان حدس زد که باید رابطه‌ای بین فساد، آزادی اقتصادی و درآمد طبیعی در این کشورها وجود داشته باشد، رابطه‌ای که پژوهش حاضر با هدف بررسی آن انجام شده است.

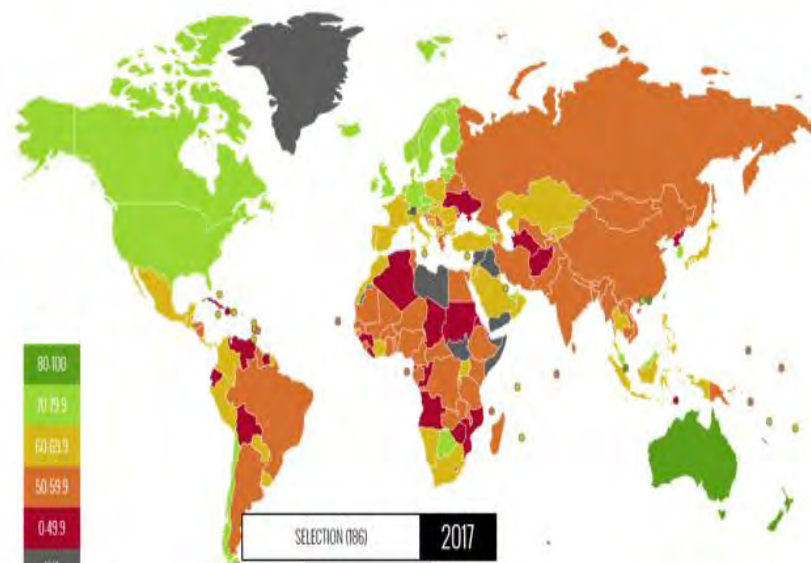
جدول (۱): طبقه‌بندی کشورهای مورد مطالعه بر اساس درجه آزادی اقتصادی

کشورها	گروه‌بندی	درجه آزادی اقتصادی
---	آزاد	۸۰-۱۰۰
شیلی	بیشتر آزاد	۷۰-۷۹/۹
کویت، عربستان، عمان، قطر، امارات، مالزی، نروژ، اوگاندا، پرو، ترینیداد و توباگو،	به طور متوسط آزاد	۶۰-۶۹/۹
الجزیره، آذربایجان، بولیوی، بوركینافاسو، آفریقای مرکزی، اکوادور، مصر، اتیوپی، غنا، گینه، گویان، مالی، موریتانیا، مغولستان، موزامبیک، نیجر، نیجریه، گابن، الجزیره، قزاقستان، روسیه، سورینام، یمن، زامبیا	بیشتر نا آزاد	۵۰-۵۹/۹
لیبی، کنگو، آنگولا، ایران، چاد، بروندي، گینه استوایی، گینه بیسائو، لائوس، توگو، ترکمنستان، ازبکستان، ونزوئلا، سیرالئون، زیمبابوه	سرکوب شده	۰-۴۹/۹

منبع: یافته‌های تحقیق^۱

یادداشت: گروه‌بندی بر اساس درجه آزادی اقتصادی توسط بنیاد هریتیج صورت گرفته است. در تحقیق حاضر کشورهای مورد مطالعه بر حسب درجه آزادی اقتصادی در گروه‌های تعیین شده قرار گرفته‌اند.

^۱ داده‌ها برگرفته از سایت www.theglobaleconomy.com. Accessed March 20, 2020 است.



شکل ۱. وضعیت آزادی اقتصادی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۷

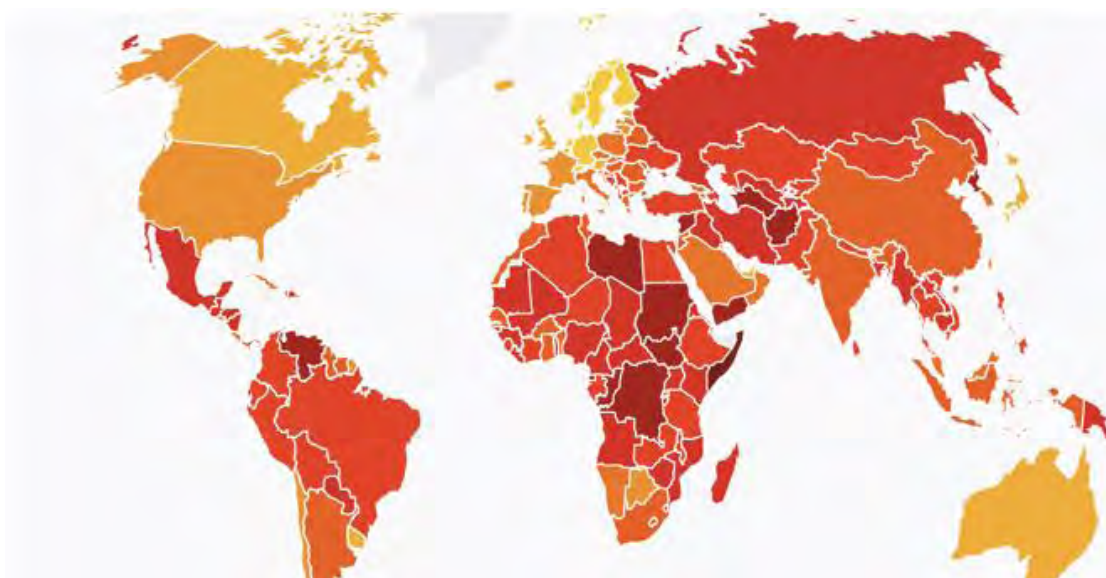
منبع: سایت بنیاد هریتیج^۱

۳. مبانی نظری

مؤسسه فریزر^۲ و بنیاد هریتیج در راستای ارزیابی عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی، هر ساله داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی کشورها و رتبه‌بندی آن‌ها را منتشر می‌کنند. هدف مؤسسه فریزر، محاسبه اختلاف سازگاری نهادها و سیاست‌ها با آزادی اقتصادی است. در شاخص محاسبه شده توسط مؤسسه فریزر، عناصر اصلی آزادی اقتصادی مشتمل بر آزادی انتخاب شخصی، آزادی مبادله، آزادی ورود و رقابت در بازارها و حمایت از مالکیت خصوصی است. مؤسسه فریزر با استفاده از ۳۸ نوع داده مختلف که در ۲۱ مؤلفه خلاصه شده‌اند، شاخص آزادی را تهیه می‌کند. بنیاد هریتیج، با استفاده از ۵۰ متغیر به اندازه‌گیری سیستماتیک و تجربی آزادی پرداخته است (Ochel & Rohn, 2006)

^۱ <https://www.heritage.org/index>

^۲ Fraser Institute



شکل ۲. وضعیت فساد در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۷

منبع: سایت سازمان شفافیت^۱

یادداشت: کشورهایی که دارای رنگ قرمز بسیار پررنگ هستند دارای فساد بیشتری نسبت به سایر کشورها می‌باشند.

آزادی اقتصادی فارغ از اختلافات جزئی در محاسبه آن توسط موسسه فریزر و بنیاد هریتیج، به اذعان بسیاری از محققان، از عوامل اصلی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی است. با توجه به همبستگی بالای این شاخص با رشد اقتصادی، مطالعه عوامل تعیین کننده آن از اهمیت زیادی برخوردار بوده و می‌تواند راهنمای خوبی برای سیاست‌گذاران باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آزادی اقتصادی وجود شرایط نهادی مناسب در هر کشور است. نتیجه مطالعه Shahabadi, Sari Gol & Tanhaei. (2015) نشان می‌دهد که در یک کشور، سیاست‌ها و نهادها زمانی با آزادی اقتصادی سازگار است که ایجاد کننده مبادلات داوطلبانه و موجب حمایت از افراد و حقوق آنها باشد. به تعبیر دیگر، افراد وقتی دارای آزادی اقتصادی هستند که بتوانند با حکمرانی خوب و تدبیر شده، حقوقشان را بدون هیچ‌گونه زور و تهدید حفظ کرده و

^۱ <https://www.transparency.org>

آزادانه به استفاده و مبادله دارایی‌های خوب پردازند. تا جایی که به حقوق دیگران تجاوز نکنند؛ بنابراین کشورهایی که در بهبود شاخص حکمرانی، موفق‌تر عمل کرده‌اند، دارای آزادی اقتصادی بیشتری هستند. شاخص حکمرانی خوب علاوه بر این که دربرگیرنده‌ی مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی و حاکمیت قانون است، بلکه چارچوبی را فراهم می‌کند که تمامی این اهداف و ارزش‌ها در یکجا جمع شوند و اهداف توسعه‌ی انسانی محقق شود. سه تن از محققان بانک جهانی به نام‌های Kufmann, Kraay and Lobaton شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی، تعریف کرده‌اند که عبارتند از پاسخ‌گویی و حق اظهار نظر^۱، ثبات سیاسی و نبود خشونت^۲، اثربخشی دولت^۳، کیفیت تنظیم‌کنندگی^۴، حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد^۶. فساد، عموماً به استفاده از قدرت دولتی در جهت تحقق اهداف شخصی گفته می‌شود. فساد، مفهومی جهانی، پیچیده و چند وجهی دارد. فساد می‌تواند به شکل‌های مختلفی ظاهر شود؛ با رشوه‌خواری، اختلاس، اخاذی، کلاهبرداری، تجاوز و سرقت از دارایی‌های دولت می‌توان از مناصب دولتی، سو استفاده کرد (Ata & Arvas, 2011).

در تحقیق حاضر برای نشان دادن ارتباط بین فساد و آزادی اقتصادی از مطالعه Yamarik & Redmon (2017) استفاده شده است. این محققان با استفاده از مدل مدیر-عامل-مشتری (PAC)^۷ که توسط Aidt (2003) مطرح شده، ارتباط متقابل آزادی اقتصادی و فساد را نشان داده‌اند که در ادامه، به ارائه خلاصه‌ای از این مدل پرداخته شده است:

در مدل PAC، نحوه ارتباط مدیر، عامل و مشتری مد نظر قرار می‌گیرد. برای بکارگیری این مدل در راستای بررسی فرضیات تحقیق حاضر، مدیر به‌عنوان دولت، بخش خصوصی به‌عنوان مشتری و عاملان دولتی که نقش تنظیم‌کنندگی^۸ دارند به‌عنوان عامل در نظر گرفته می‌شوند. مدیر (دولت)، قواعد مربوط به ارتباط عامل دولتی و بخش خصوصی را تعیین می‌کند. فرض می‌شود دولت در نظر دارد که تعدادی مجوز برای بازارهای حساسی (از لحاظ ایمنی یا بهداشت) مانند بازار مواد غذایی یا دارویی، صادر کند. دولت قواعد صدور مجوز را برای صدور مجوز، تنظیم کرده و عامل دولتی موظف است این قواعد را

1. Voice and Accountability

2. Political Stability and Absence of Violence

3. Government Effectiveness

4. Regulatory Quality

5. Rule of Law

6. Control of Corruption

7. Principal-Agent-Client (PCA)

8. Regulatory

برای انتخاب بنگاه‌های واجد شرایط بکار برد. همچنین فرض می‌شود که کسری از عاملان اقتصادی صادق و کسری، ناصداق هستند. عاملان صادق، بنگاه‌های واجد شرایط را برای اعطای مجوز انتخاب می‌کنند اما عاملان ناصداق، در صورتی که رشوه دریافتی، بازدهی مورد انتظارشان را افزایش دهد، به بنگاه‌های کمتر-ایمن^۱ هم مجوز می‌دهند.

در این مدل، تعداد مجوزها (M) می‌تواند نشان دهنده رقابت در بازار باشد؛ پس به‌طور مثبت با بازار باز^۲ (یکی از مؤلفه‌های آزادی اقتصادی) مرتبط است. نرخ دستمزد دولتی و تعداد عاملان دولتی، به‌طور ضمنی به‌اندازه دولت (یکی دیگر از مؤلفه‌های آزادی اقتصادی) مربوط است. در حقیقت، چون اندازه دولت با درآمد و مخارج اندازه‌گیری می‌شود پس با میزان دستمزد دولتی و تعداد کارمندان دولتی هم ارتباط مثبت دارد. وجود عاملان اقتصادی صادق به آزادی مبادله و نرخ دستمزد بخش خصوصی به آزادی نیروی کار که هر دو از زیر مؤلفه‌های کارایی نظارت^۳ هستند، مرتبط هستند.

بسته به انگیزه دولت، می‌توان از مدل PAC برای تبیین هر دو نظریه فساد که دست‌کمایت گر^۴ و دست‌رباینده^۵ هستند، استفاده کرد. در نظریه دست‌کمایت گر، فرض می‌شود که دولت، خیرخواه بوده و در فرآیند صدور مجوز به دنبال بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی است. در چنین دولتی پس از اطلاع از فساد عاملان ناصداق، این عاملان و بنگاه‌هایی که مجوز جعلی دریافت کرده‌اند، تنبیه می‌شوند. در نظریه دست‌رباینده، فرض بر این است که دولت خیرخواه نیست. عاملان دولتی به دنبال منافع خود هستند و دولت نمی‌تواند کاملاً عوامل خود را نظارت کند. در نتیجه، دولت سیاست‌های ناکارایی را اعمال کرده و محدودیت‌هایی بر بازار برای استفاده بیشتر از رانت بخش خصوصی، ایجاد می‌کند. در این حالت، عامل دولتی که دارای قدرت چانه‌زنی کامل است، درآمد رشوه‌ای خود را با صدور مجوزهای جعلی، حداکثر می‌کند. از آنجایی که سود اقتصادی که از این مجوزها به دست می‌آید به‌طور معکوس به تعداد مجوزها، ارتباط دارد، تعداد مجوزها کمتر از حالت بازار آزاد و همچنین کمتر از حالتی است که دولت خیرخواه باشد.

این مجوزها در صورتی برای دارنده آن‌ها دارای ارزش هستند که ورود به بازار، محدود باشد. پس عامل فاسد دولتی تلاش می‌کند تا موانعی برای ورود به بازار ایجاد کند. پس فساد دارای تأثیر منفی بر

¹ Less-Safe

² Open Markets

³ Regulatory Efficiency

⁴ The Helping Hand Theory of Corruption

⁵ The Grabbing Hand Theory of Corruption

بازار باز است. از طرفی به دلیل منافع عاملان اقتصادی فاسد، کسر این عاملان در اقتصاد بیشتر شده و اثر منفی بر کارایی نظارت خواهد داشت. همچنین، اثر فساد بر اندازه دولت نیز مثبت است (و بر دولت محدود شده^۱، دارای اثر منفی است) زیرا چنین دولتی نیز به دنبال ایجاد فرصت‌های بیشتر رانت بوده و عاملان بیشتر را بکار خواهد گرفت. در مجموع، فساد منجر به کاهش آزادی اقتصادی می‌شود.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در چه شرایطی یک دولت، خیر خواهانه عمل نکرده و زمینه فساد را در کشور، فراهم می‌کند.

(Kolstad et al., 2008) معتقدند که منابع طبیعی، غالباً زمینه مناسبی را برای شکل‌گیری فساد، فراهم می‌کند. رابطه اصلی بین فساد و منابع طبیعی به دو شکل است؛ اول، وجود منابع طبیعی، ممکن است منجر به فساد شود. در حقیقت، وجود درآمدهای فراوان حاصل از فروش منابع، می‌تواند منجر به شکل‌گیری فعالیت رانت جویی بین گروه‌های مختلف اجتماعی شود. دوم، فساد ممکن است در سیستم مدیریتی منابع طبیعی ایجاد شود که منجر به استفاده غیر بهینه از این منابع می‌شود.

وفور منابع طبیعی باعث می‌شود تا دولت به درآمدهای حاصل از منابع طبیعی وابسته شده و در نتیجه، زمینه ورود دولت به فعالیت‌های رانت جویانه ایجاد می‌شود. از نظر اقتصاددانان، دولت رانتی یعنی دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمد خود را از رانت و درآمد حاصل از صدور یک یا چند ماده خام به دست آورد. اقتصادهای دولتی که از منابع زیادی برخوردار هستند، خاصیت رانت پذیری بالایی دارند، زیرا منابع طبیعی باعث ایجاد رانت می‌شود و مالکیت اولیه این منابع در دست دولت است (Moeini Fard & Mehrara, 2015).

از طرف دیگر، در اقتصادهای رانتی، دولت برای تأمین مالی مخارج خود به مالیات تکیه ندارد، پس نه تنها وابسته به درآمدهای مالیاتی بخش خصوصی نیست، بلکه بخش خصوصی نیاز به حمایت دولت دارد. طبیعی است دولتی که از لحاظ مالی به جامعه تکیه نداشته باشد، به راحتی می‌تواند به منافع و خواسته‌های جامعه مدنی بی‌توجه باشد (Haji Yousefi, 1997).

در مجموع، ملاحظه شد که فساد دارای اثرات منفی بر مؤلفه‌های آزادی اقتصادی است و از طرفی، کشورهای دارای منابع طبیعی به شدت مستعد شکل‌گیری فساد هستند. در ادامه، سؤال دیگری که باید پاسخ داده شود این است که آیا وجود درآمد منابع طبیعی، بر آزادی اقتصادی اثر دارد؟

¹ Limited Government

یکی از مباحث مورد توجه در متون اقتصادی از دهه ۱۹۹۰، تأثیر متفاوت وفور منابع طبیعی بر ساختار اقتصادی کشورهایی است که از این نعمت خدادادی برخوردار هستند. هیچ توافقی در مورد خوب یا بد بودن وفور منابع طبیعی وجود ندارد. به عنوان مثال، مطالعه (Mehlum, Moene, & Torvik, 2006) نشان می‌دهد که در کشورهای استرالیا، کانادا، آمریکا، نیوزلند، ایسلند و کشورهای اسکاندیناوی، وفور منابع طبیعی باعث بهبود سطح توسعه اقتصادی شده است. این در حالی است که بیشتر مطالعات که نخستین آن مطالعه (Sachs & Warner, 1995) است، به این نتیجه رسیده‌اند که منابع طبیعی اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد و از آن به عنوان نفرین منابع (بیماری هلندی)، یاد کرده‌اند. بر اساس نظریه‌های رشد، منابع طبیعی در کنار نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی از عوامل رشد اقتصادی هستند. این که یکی از عواملی که باید باعث تحریک رشد اقتصادی شود، در یک کشور باعث کاهش آن شود، به ساختار سیاسی و نهادی آن کشور بستگی دارد (Béland & Tiagi, 2009).

همان‌طور که قبلاً بیان شد، کشورهای دارای منابع طبیعی، زمینه فساد و رانت‌خواری را ایجاد می‌کنند. یکی از اقدامات دولت رانتی برای مشکلات موجود در بخش تولید و همچنین برای حمایت از سرمایه‌گذاران، پایین نگه داشتن نرخ سود بانکی است. از آنجا که معمولاً این نرخ سود، کم‌تر از نرخ تعادلی بازار است باعث شکل‌گیری مازاد تقاضا برای وام شده و دولت ناچار است یا سهمیه‌بندی اعتبارات را اجرا کند یا به بخش تولیدی مورد نظر، یارانه اعطا کند. انجام هر یک از این سیاست‌ها در چارچوب سرکوب مالی تعریف می‌شود (Rezaei, Yavari, Ezzati & Etesami., 2015).

یکی دیگر از ویژگی‌های کشورهای با وفور منابع، پرداخت یارانه و سرکوب قیمت‌ها است. سرکوب قیمت‌ها یکی از عوامل کاهش آزادی اقتصادی از طریق مؤلفه آزادی پولی است. آزادی پولی معیاری از ثبات قیمت همراه با ارزیابی کنترل قیمت است. هم تورم و هم کنترل قیمت، باعث اختلال در بازار می‌شود، ثبات قیمت بدون دخالت اقتصادی (در سطح خرد) وضعیت ایده آلی برای بازار آزاد است. همه عوامل اقتصادی، از کارآفرین تا مصرف‌کننده نیاز به یک ارز باثبات و قابل اعتماد دارند تا از آن به عنوان وسیله مبادله، واحد شمارش و ذخیره ارزش استفاده کنند. بدون آزادی پولی، ایجاد ارزش بلندمدت برای سرمایه، مشکل خواهد بود. سیاست‌های تورم‌زا، ثروت افراد جامعه را از بین برده و مانند یک مالیات نامرئی عمل می‌کند. علاوه بر این با تحریف قیمت‌ها باعث تخصیص نامناسب منابع شده و هزینه‌های کسب و کار را افزایش می‌دهد. هرچند هیچ سیاست پولی پذیرفته شده منحصر به فردی را نمی‌توان برای همه کشورها توصیه کرد اما بیشتر نظریات پولی از تورم کم و استقلال بانک مرکزی حمایت می‌کنند. همچنین این مسئله نیز پذیرفته شده که کنترل قیمتی، کارایی بازار را مختل کرده و منجر به مازاد یا کمبود می‌شود

(Miller, Kim & Roberts, 2019)؛ بنابراین، درآمد طبیعی می‌تواند دارای تأثیر منفی بر آزادی اقتصادی

باشد.

در نهایت با توجه به مطالب بیان شده در این قسمت، دو فرضیه زیر مطرح می‌شود و مطالعه حاضر به دنبال آزمون آن‌ها خواهد بود:

- ۱- فساد، باعث تضعیف آزادی اقتصادی می‌شود.
- ۲- فساد علاوه بر تأثیر مستقیم بر آزادی اقتصادی، می‌تواند بر اثرگذاری درآمد منابع طبیعی بر آزادی اقتصادی نیز اثرگذار باشد. طوری که تأثیر درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی در سطوح مختلف فساد، متفاوت است.

۴. پیشینه پژوهش

با وجود این که آزادی اقتصادی در مطالعات داخلی توسط محققانی مانند Motefakker Azad et al., (2013)، Shahabadi et al., (2015) و Shahabadi. & Ganji. (2015) و Bafandeh Iman Doost et al., (2015) مورد مطالعه قرار گرفته است اما در هیچ‌یک از این مطالعات، به بررسی رابطه فساد، درآمد منابع طبیعی و آزادی اقتصادی پرداخته نشده است.

در میان مطالعات خارجی (Emerson (2006 یک مدل نظری، بسط داده که فساد را به رقابت ارتباط داده است. سپس عوامل تعیین کننده این دو متغیر را تخمین زده و به این نتیجه رسیده است که فساد بیشتر، رقابت را کاهش می‌دهد. (Apergis et al., (2012 با استفاده از یک مدل تصحیح خطای پانلی، ارتباط فساد، آزادی اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی در ایالت‌های آمریکا را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که آزادی اقتصادی، فساد را کاهش می‌دهد و فساد، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد. (De Haan & Sturm (2003 به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش دموکراسی (آزادی سیاسی) باعث بهبود آزادی اقتصادی می‌شود.

(Campbell & Snyder (2012 نشان داده‌اند که با کنترل آزادی اقتصادی، فراوانی منابع، نه تنها یک نفرین نیست بلکه دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی نیز هست. تأثیر منفی منابع طبیعی بر سرمایه‌گذاری و آزادی اقتصادی از دیگر نتایج به دست آمده از مطالعه این محققان است.

(Heckelman & Wilson (2015 به بررسی تأثیر کثرت‌گرایی یا تنوع قومی بر آزادی اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که در جوامع مستبد، تقسیم‌بندی قومی، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد؛ در حالی که در کشورهای دموکراتیک، تقسیم‌بندی قومی و زبانی، آزادی

اقتصادی را زیاد می‌کند. (March, Lyford & Powell (2015) به بررسی تأثیر کمک‌های خارجی، بحران‌های مختلف اقتصادی و صادرات انرژی بر آزادی اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که سطح اولیه آزادی اقتصادی، درآمد ملی و صادرات انرژی، دارای اثر مثبت بر آزادی اقتصادی است.

(Grubel (2015) با استفاده از نظریه انتخاب عمومی، نحوه تعیین سطح آزادی اقتصادی در کشورهای مختلف را توضیح می‌دهد. این محقق توضیح می‌دهد که سطح آزادی اقتصادی، حاصل درگیری بین سیاست‌مدارانی است که با وعده مزایای ویژه مانند یارانه‌ها، مقررات و معافیت‌های مالیاتی، خرید رأی می‌کنند و سیاست‌مدارانی که مردم را از هزینه این سیاست‌ها، آگاه می‌کنند. در مجموع، روند سیاسی هر کشور، باعث می‌شود تا سطح آزادی اقتصادی تعادلی، سازگار با فرهنگ، تاریخ و نهادهای آن کشور، تعیین شود.

(Yamarik & Redmon (2017) به بررسی تأثیر متقابل آزادی اقتصادی و فساد پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که فساد، آزادی اقتصادی را کم می‌کند. (Sayari et al., (2018) به این نتیجه دست یافته‌اند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ارزش افزوده بخش صنعت و خدمات، دارای تأثیر مثبت بر آزادی اقتصادی و ارزش افزوده بخش کشاورزی، دارای اثر منفی بر آزادی اقتصادی است. مطالعه Islam (2018) نیز نشان می‌دهد که نابرابری در ثروت بخصوص در سطوح ضعیف دموکراسی، منجر به کاهش آزادی اقتصادی می‌شود. (Jichi & Cabro (2019) نیز به وجود رابطه علی دو طرفه بین فساد و آزادی اقتصادی در ۱۱۳ کشور جهان طی ۲۰۱۶-۲۰۰۲ پی برده‌اند.

(Castro & Martins (2020) با استفاده از داده‌های ۱۰۶ کشور جهان طی ۲۰۱۵-۱۹۷۵، به بررسی رابطه ایدئولوژی دولت و آزادی اقتصادی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که دولت‌های راست‌گرا (بخصوص در کشورهای در حال توسعه/ نوظهور نسبت به کشورهای توسعه یافته)، تمایل بیشتری به بهبود آزادی اقتصادی دارند.

با جمع‌بندی مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که در هیچ‌یک از مطالعات جمع‌آوری شده به بررسی تأثیر همزمان درآمد حاصل از منابع طبیعی و فساد بر آزادی اقتصادی پرداخته نشده است؛ بنابراین مطالعه حاضر با مد نظر قرار دادن این مسئله، همچنین استفاده از چارچوب پانل پویای آستانه‌ای، دارای نوآوری علمی و تجربی در حیطه چنین مطالعاتی است.

۵. مدل و روش برآورد

بر اساس آنچه تا کنون بیان شد، تحقیق حاضر به دنبال بررسی اثرگذاری درآمدهای طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی در کشورهای با درآمد طبیعی بالا، در سطوح مختلف فساد است.

از آنجا در مطالعات (De Haan & Sturm (2003)، Emerson (2006)، Apergis et al., (2012)، Heckelman & Wilson و Grubel (2015)، March et al., (2015)، Yamarik & Redmon (2017) (2015)، حکمرانی یا شاخص‌های آن، از عوامل مؤثر بر شاخص آزادی هستند، پس یکی از عوامل توضیح دهنده آزادی اقتصادی، حکمرانی (کنترل فساد به عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی) در نظر گرفته شده است؛ اما نکته حائز اهمیت این است که (Graeff & Mehlkop (2003)، Jichi & Cabro (2019) و Alsarhan (2019) نیز نشان داده‌اند که آزادی اقتصادی بر فساد می‌گذارد. لذا به دلیل احتمال مشکل درون‌زایی در مدل، از چارچوب الگوهای پانل پویا^۱ استفاده خواهد شد. این در حالی است که در بعضی موارد، تابع رگرسیون ممکن است برای کل مشاهدات، یکسان نباشد و رگرسیون بر اساس یک مقدار مشخص از آستانه به بخش‌های مختلفی تقسیم شود. در همین راستا، Hansen (1999)، یک مدل پانل غیر-پویای آستانه‌ای را پیشنهاد داده است؛ اما در این مدل، به تورش درون‌زایی بین متغیر وابسته و مستقل، توجهی نشده است. به منظور لحاظ کردن درون‌زایی، (Caner & Hansen (2004)، مدل Hansen (1999) را با اضافه کردن متغیرهای درون‌زا و متغیر آستانه برون‌زا، بسط داده‌اند؛ اما مدل پیشنهادی این محققان، نیز نمی‌تواند برای پانل‌های پویا استفاده شود. بالاخره، مدلی که بتواند در یک مدل پانل پویا، بکار گرفته شود توسط Kremer et al., (2013) معرفی شده است.

بدین ترتیب، مدل پانل پویای آستانه‌ای بکار رفته در پژوهش حاضر بر اساس روش et al., (2013) Kremer به صورت رابطه (۱) نوشته شده است:

$$EF_{it} = \beta_1 + \beta_2 EF_{it-1} + \beta_3 CC_{it} + \beta_4 NI_{it} I(CC_{it} \leq \lambda) + \beta_5 NI_{it} I(CC_{it} \geq \lambda) + \beta_6 PS_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، EF_{it} : شاخص آزادی اقتصادی، CC_{it} : شاخص ادراک فساد، PS_{it} : شاخص ثبات سیاسی (به عنوان متغیر کنترلی) و ε_{it} : جملات خطای مدل است. شاخص ادراک فساد به عنوان متغیر آستانه در نظر گرفته شده است که مقدار آستانه آن برابر با λ است. NI_{it} : درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی است که

¹ Dynamic Panel

در این مدل، متغیری است که مقدار ضریب آن به رژیم وابسته است. I نیز تابع نشانگر^۱ است که در صورتی که مقدار شاخص ادراک فساد کمتر از حد آستانه باشد، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر به خود می‌گیرد. بدین ترتیب، β_4 ، میزان اثرگذاری درآمد منابع طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی را در شرایطی (رژیمی) نشان می‌دهد که ادراک فساد، کمتر از سطح آستانه است و β_5 ، میزان تأثیر درآمد منابع طبیعی بر شاخص آزادی اقتصادی را در رژیم با ادراک فساد بیشتر از آستانه نشان می‌دهد.

۶. داده‌ها و نتایج تجربی

داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارتند از شاخص آزادی اقتصادی، درآمد حاصل از منابع طبیعی به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی، شاخص ادراک فساد^۲ و شاخص ثبات سیاسی. این داده‌ها از سایت اقتصاد جهانی جمع آوری شده‌اند. در مورد شاخص ادراک فساد لازم است این توضیح اضافه شود که این شاخص، فساد در بخش عمومی یک کشور نسبت به سایر کشورها را نشان می‌دهد و بین مقدار ۰ تا ۱۰۰، رتبه‌بندی شده است. هر چه رتبه یک کشور بالاتر باشد، به معنای فساد کمتر در آن کشور است.^۳ در بخش نتایج تجربی، ابتدا آزمون استقلال سطح مقطعی انجام می‌شود. سپس متناسب با وضعیت استقلال مقطعی داده‌ها، آزمون مانایی مناسب انتخاب می‌شود. در صورت ناماننا بودن، آزمون هم‌جمعی انجام شده و در پایان نیز تخمین ضرایب انجام شده است. قبل از انجام آزمون مانایی داده‌ها، آزمون استقلال سطح مقطعی^۴ پسران (۲۰۰۴) انجام شده است. فرضیه صفر در این آزمون این است که وابستگی سطح مقطعی وجود ندارد. نتایج حاصل از انجام آزمون استقلال سطح مقطعی پسران در جدول (۲) گزارش شده است. مشاهده می‌شود که متغیر شاخص آزادی استقلال سطح مقطعی دارند اما فرضیه صفر در مورد درآمد منابع طبیعی، کنترل فساد و شاخص ثبات سیاسی، پذیرفته نشده است به عبارت دیگر، درآمد منابع طبیعی، ادراک فساد و شاخص ثبات سیاسی در کشورهای مورد مطالعه، دارای وابستگی سطح مقطعی است.

^۱ Indicator Function

^۲ Corruptions Perception Index (CPI)

^۳ لازم به ذکر است که کلیه مراحل تخمین با استفاده از شاخص کنترل فساد نیز انجام شده است که نتایج حاصله تفاوت چشمگیری با نتایج حاضر نداشته است.

^۴ Cross Section Dependence

با توجه به نتایج به دست آمده، برای بررسی مانایی درآمد منابع طبیعی، ادراک فساد و شاخص ثبات سیاسی، نمی‌توان از آزمون‌های معمول ریشه واحد پانلی استفاده کرد؛ بنابراین از آزمون Hadri-Rao (2008) استفاده شده است. در این آزمون که فرضیه صفر، مبنی بر مانایی داده‌هاست، شکست ساختاری را نیز در داده‌هایی که دارای وابستگی سطح مقطعی هستند، مد نظر قرار می‌دهد. بر اساس این آزمون، هر سه متغیر درآمد منابع طبیعی، ادراک فساد و شاخص ثبات سیاسی، مانا هستند. برای بررسی مانایی شاخص آزادی اقتصادی از آزمون Im-Pesaran and Shin استفاده است. فرضیه صفر در این آزمون، داشتن ریشه واحد است. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که شاخص آزادی اقتصادی در سطح، مانا نیست.

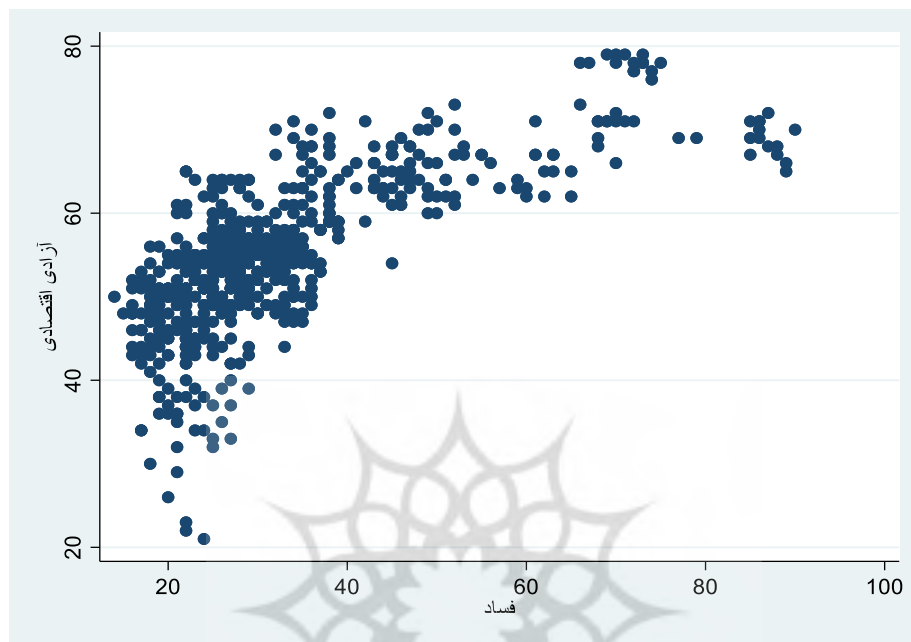
جدول (۲): نتایج آزمون‌های وابستگی سطح مقطعی، آزمون ریشه واحد ایم، پسران و شین و آزمون

ریشه واحد هدری رانو			
نام متغیر	آزمون وابستگی سطح مقطعی پسران (احتمال معناداری)	نتایج آزمون ایم، پسران و شین (احتمال معناداری)	آزمون هدری-رانو (احتمال معناداری)
شاخص آزادی اقتصادی	۰/۲۹(۰/۸۰)	۰/۲۷(۰/۶۰)	---
درآمد حاصل از منابع طبیعی	۳۵/۷(۰/۰۰)	---	۰/۷۶(۱/۰۰)
شاخص ادراک فساد	۳/۷(۰/۰۰)	---	۰/۵۰(۱/۰۰)
شاخص ثبات سیاسی	-۲/۱(۰/۰۰)	---	۰/۴۲(۱/۰۰)
نتایج آزمون همجمعی وسترلاند			
نسبت واریانس (احتمال معناداری)	۲/۰۳(۰/۰۳)		

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجا که متغیر شاخص آزادی اقتصادی در سطح، مانا نیست به منظور اجتناب از رگرسیون کاذب، وجود رابطه بلندمدت بین داده‌ها، آزمون می‌شود. بدین منظور باید از آزمون‌های همجمعی استفاده کرد. در صورتی که جملات پسماند مدل، دارای وابستگی سطح مقطعی باشند، آزمون وسترلاند پیشنهاد می‌شود. برای انجام آزمون وابستگی سطح مقطعی جملات پسماند از آزمون سطح مقطعی پسران استفاده می‌شود. نتایج حاصله، حاکی از وابستگی سطح مقطعی جملات پسماند مدل (به روش اثرات ثابت) است. پس می‌توان از آزمون وسترلاند استفاده کرد. نتایج حاصل از آزمون وسترلاند در جدول (۲) بیان شده است. مشاهده می‌شود که آماره نسبت واریانس محاسبه شده، فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه همجمعی را رد می‌کند. پس بین متغیرهای مدل، رابطه بلندمدت وجود دارد.

پس از انجام کلیه آزمون‌های قبل از تخمین، ابتدا باید از وجود رابطه غیر خطی بین آزادی اقتصادی و فساد در کشورهای مورد مطالعه اطمینان حاصل کرد. بدین منظور، نمودار پراکندگی آزادی اقتصادی بر حسب شاخص ادراک فساد در شکل ۳ ترسیم شده است که به وضوح یک ارتباط غیرخطی را نشان می‌دهد. نتایج آزمون غیر خطی در جدول (۳)، نیز مؤید همین مسئله است.



شکل ۳. نمودار پراکندگی شاخص آزادی اقتصادی بر حسب شاخص ادراک فساد

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۳): آزمون غیر خطی مدل^۱

احتمال معناداری	آماره محاسبه شده	فرضیه صفر
۰/۰۰	۱۱/۱۲	مدل خطی است
		منبع: یافته‌های تحقیق

^۱ این آزمون توسط Jann (2008) تهیه شده است.

جدول (۴) به نتایج تخمین رابطه ۱ اختصاص داده شده است. قبل از برآورد رابطه ۱، ابتدا وجود اثرات آستانه‌ای با مد نظر قرار دادن شاخص ادراک فساد به‌عنوان متغیر آستانه، مورد آزمون قرار گرفته است. مقدار این آماره برابر با $7/2$ به دست آمده که با توجه به احتمال معناداری می‌توان گفت فرضیه صفر مبنی بر نبود اثر آستانه‌ای، رد می‌شود؛ بنابراین می‌توان رابطه ۱ را بر حسب متغیر آستانه ادراک فساد در دو رژیم مختلف، برآورد کرد. در مرحله بعد، به محاسبه پارامتر آستانه پرداخته شده است. ملاحظه می‌شود که مقدار این پارامتر برابر با 32 به دست آمده که بین دو کران پایین و بالا بوده و در سطح اطمینان 90 درصد، معنادار است. شکل ۴ نیز، که مربوط به ساخت فاصله اطمینان برای مدل آستانه‌ای است، پارامتر آستانه (در شکل با گاما نشان داده شده است) را بین دو کران بالا و پایین نشان می‌دهد.

نتایج تخمین مدل پویای آستانه‌ای یک مرحله‌ای نیز در جدول (۴) گزارش شده است. بر اساس جدول مذکور مشاهده می‌شود که آزادی اقتصادی با یک وقفه، عرض از مبدأ و ثبات سیاسی دارای اثرات مثبت و معناداری بر آزادی اقتصادی هستند. معناداری تأثیر آزادی اقتصادی با یک وقفه بر آزادی اقتصادی، حاکی از رفتار پویای این متغیر دارد. ثبات سیاسی نیز با ضریب $1/8$ بر آزادی اقتصادی اثر مثبتی دارد؛ به‌عبارت‌دیگر، هر چه ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد، به دلیل ایجاد شرایط امن برای سرمایه‌گذاری، شاخص آزادی اقتصادی نیز بهبود خواهد یافت.

شاخص ادراک فساد بر آزادی اقتصادی کشورهای با وفور منابع در سطح معناداری 10 درصد دارای اثر منفی است؛ بنابراین هر چه شاخص ادراک فساد در کشوری بالاتر باشد (میزان فساد در آن کشور بیشتر باشد)، مطابق با مبانی نظری مطرح شده، آزادی اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت. فساد علاوه بر تأثیر مستقیم بر آزادی اقتصادی، بر اثرگذاری درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی نیز مؤثر است. بدین‌صورت که وقتی سطح ادراک فساد کمتر از سطح آستانه باشد، درآمد منابع طبیعی دارای اثر منفی و معناداری بر آزادی اقتصادی است اما وقتی سطح ادراک فساد بالاتر از مقدار آستانه است، درآمد طبیعی اثر معناداری بر آزادی اقتصادی ندارد.

جدول (۴): نتایج تخمین مدل

آزمون وجود اثرات آستانه‌ای (با در نظر گرفتن کنترل فساد به‌عنوان متغیر آستانه)		
فرضیه صفر	آماره محاسبه شده	احتمال معناداری
اثر آستانه‌ای در مدل وجود ندارد.	$7/2$	$0/00$
محاسبه پارامتر آستانه		
مقدار پارامتر آستانه	کران پایین	کران بالا

۵۵	۲۰	۳۲
نتایج تخمین مدل پانل پویای آستانه‌ای یک مرحله‌ای		
احتمال معناداری	ضریب	متغیرهای توضیحی
۰/۰۰	۰/۶۰	آزادی اقتصادی با یک وقفه
۰/۰۵	-۰/۰۴	ضریب درآمد طبیعی، وقتی ادراک فساد کمتر از آستانه باشد.
۰/۳۸	-۰/۰۲	ضریب درآمد طبیعی، وقتی ادراک فساد بیشتر از آستانه باشد.
۰/۰۹	-۰/۰۸	ادراک فساد
۰/۰۰	۱/۸	ثبات سیاسی
۰/۰۰	۲۶/۲	عرض از مبدأ
۰/۰۰	۸۶/۸	آماره والد
۰/۹۹	۵۷/۲۴	آماره سارگان

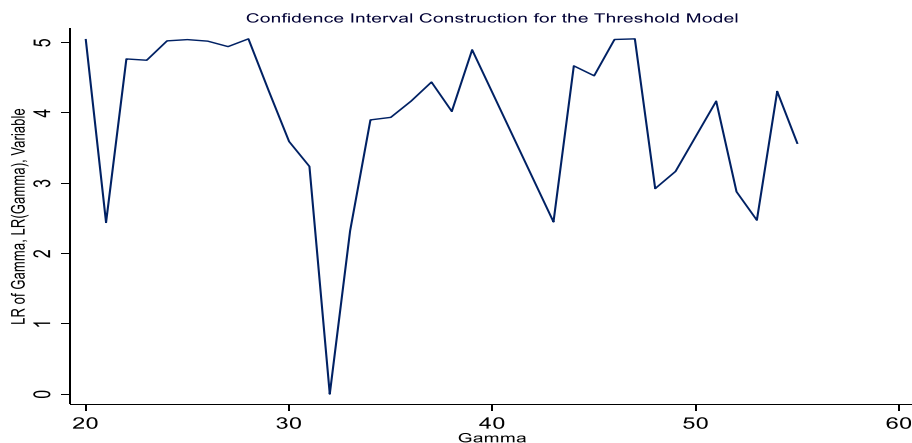
منبع: یافته‌های تحقیق

از مهم‌ترین آزمون‌های پس از تخمین در مدل‌های پانل GMM، آزمون سارگان است. فرضیه صفر آزمون سارگان، اعتبار متغیرهای ابزاری مورد استفاده در مدل است. نتایج آزمون سارگان نیز در جدول ۴ قابل مشاهده است. بر اساس آماره کای دو و سطح معناداری می‌توان دریافت که متغیرهای ابزاری، دارای اعتبار کافی هستند^۱.

نتایج به دست آمده در تحقیق حاضر، مؤید بسیاری از مطالب ارائه شده در قسمت مبانی نظری است. همان‌طور که بر اساس مطالعات مختلف بیان شد، افزایش درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی، منجر به بروز فعالیت‌های رانت جوینانه توسط دولت می‌شود و زمینه فساد و سرکوب مالی را فراهم می‌آورد. همچنین، افزایش درآمد دولت از فروش منابع، این امکان را فراهم می‌کند تا دولت با اعمال سیاست‌های مداخله‌گرانه در بازار مانند پرداخت یارانه و سرکوب قیمت‌ها، کارایی بازار را مختل کند؛ اما نتیجه قابل توجه در مطالعه حاضر این است که تأثیر درآمد منابع بر آزادی اقتصادی، به سطح فساد در هر کشور بستگی دارد. اگر کشوری موفق به بهبود شاخص‌های حکمرانی از جمله کنترل فساد شود، می‌تواند تأثیر منفی درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی را از بین ببرد. سطح ادراک فساد آستانه برای کشورهای

^۱ یکی دیگر از آزمون‌های رایج پس از تخمین، آزمون خودهمبستگی مرتبه اول و دوم آرتانو و باند است که فقط برای پانل GMM دو مرحله‌ای قابل انجام است.

مورد بررسی برابر با ۳۲ به دست آمده که بر اساس آمار موجود می‌توان گفت سطح ادراک فساد در کشورهای الجزیره، آنگولا، آذربایجان، بولیوی، برونیدی، آفریقای مرکزی، چاد، اکوادور، مصر،



شکل ۴. فاصله اطمینان برای پارامتر آستانه

منبع: یافته‌های تحقیق

گینه استوایی، اتیوپی، گینه، گینه بیسائو، گویان، ایران، قزاقستان، لائوس، لیبی، مالی، موریتانیا، موزامبیک، نیجر، نیجریه، کنگو، روسیه، سیرالئون، توگو، ترکمنستان، اوگاندا، ازبکستان، ونزوئلا، یمن، زامبیا و زیمبابوه به‌طور متوسط، کمتر از سطح آستانه است بنابراین انتظار می‌رود در این کشورها، درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی اثر منفی بر آزادی اقتصادی بگذارد. این مسئله نشان می‌دهد تا چه میزان کنترل فساد در این کشورها حائز اهمیت است و می‌تواند از تأثیر منفی وفور منابع بر آزادی اقتصادی بکاهد.

۷. نتیجه‌گیری

وفور منابع طبیعی در بسیاری از کشورها به دلیل ساختاری نهادی ضعیف تبدیل به نفرین منابع شده است. درآمدهای بالای حاصل از فروش منابع باعث شکل‌گیری دولت‌های رانت‌جو، فاسد و سرکوب‌گر شده است. شواهد نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی در این کشورها در وضعیت مناسبی قرار ندارد. در این راستا، تحقیق حاضر به‌منظور آزمون دو فرضیه زیر انجام شده است:

۱- فساد، باعث تضعیف آزادی اقتصادی می‌شود.

۲- فساد علاوه بر تأثیر مستقیم بر آزادی اقتصادی، می‌تواند بر اثرگذاری درآمد منابع طبیعی بر آزادی اقتصادی نیز اثرگذار باشد. طوری که تأثیر درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی در سطوح مختلف فساد، متفاوت است.

بدین منظور با استفاده از داده‌های چهل و نه کشور منتخب دارای وفور منابع طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۲، به بررسی نحوه اثرگذاری فساد بر تأثیر درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی این کشورها، پرداخته شده است. نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد فساد دارای تأثیر منفی بر آزادی اقتصادی است. این نتیجه همسو با نتایج مطالعات (Emerson, 2006), (Apergis et al., 2012), (Yamarik & Redmon, 2017) و Jichi & Cabro (2019) است. علاوه بر این، فرضیه دوم تحقیق نیز مورد تأیید است؛ به عبارت دیگر، فساد می‌تواند، بر اثرگذاری درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی مؤثر باشد. در کشورهای دارای شاخص ادراک فساد بالاتر از ۳۲، درآمد طبیعی، اثری بر آزادی اقتصادی ندارد. این در حالی است که در کشورهایی که شاخص ادراک فساد کمتر از سطح آستانه دارند، افزایش درآمد منابع طبیعی، آزادی اقتصادی را کاهش می‌دهد. در حقیقت در این کشورها، نعمت منابع به نفرین منابع تبدیل شده است.

کشورهای دارای وفور منابع، زمینه بسیار مساعدی برای شکل‌گیری فساد و فعالیت‌های رانت‌جویانه دارند. همان‌طور که در مدل PAC بیان شد، فساد می‌تواند تک‌تک مؤلفه‌های شاخص آزادی اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده و در مجموع باعث تضعیف این شاخص کلیدی شود. از طرفی، وجود درآمدهای فراوان حاصل از فروش منابع طبیعی، زمینه اعمال سیاست‌های ناکارای اقتصادی، سرکوب قیمت‌ها و سرکوب مالی را فراهم می‌کند. نتیجه تحقیق حاضر این حاکی از این است که در صورتی که یک کشور غنی از لحاظ منابع، دارای فساد بالاتر از سطح آستانه باشد، درآمد طبیعی صرف سیاست‌های سرکوب‌گرانه اقتصادی شده و باعث کاهش آزادی اقتصادی خواهد شد؛ اما اگر سطح فساد تا حدودی کنترل شود، تأثیر منفی و مثبت وفور منابع بر آزادی اقتصادی، یکدیگر را خنثی کرده و در مجموع، اثر درآمد طبیعی بر آزادی اقتصادی، بی‌معنا خواهد شد.

در مجموع نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بهبود وضعیت ضعیف آزادی اقتصادی کشورهای منتخب دارای وفور منابع در گرو بهبود فساد در این کشورهاست. این در حالی است که بسیاری از این کشورها راه طولانی تا رسیدن به سطح آستانه شاخص ادراک فساد دارند. بدین ترتیب توصیه سیاستی برای این کشورها این است که با تقویت مؤلفه‌های نظارتی، چه بر فعالیت‌های دولت و چه افرادی که دارای نقش کلیدی در سیستم مدیریتی منابع هستند، زمینه پاسخگویی این عوامل را فراهم کرده و بدین ترتیب، زمینه شکل‌گیری فساد را محدود کنند. علاوه بر این، ارائه راهکارهایی چون

صندوق‌ذخیره ارزی و تقویت سیاست‌های همگام با توسعه پایدار، می‌تواند تا حد زیادی دستیابی دولت به منابع حاصل از فروش منابع طبیعی را کاسته و از آثار سوء آن بر شاخص‌های کلیدی اقتصاد از جمله آزادی اقتصادی کم کند.

References

- Alsarhan. A.A. (2019). Determinants of Corruption in Middle East Countries: Evidence from Panel Data. *International Journal of Economic Behavior and Organization*. 7(4). 57-63.
- Ali. A. & Crain. W. M. (2002). Institutional Distortions. *Economic Freedom Growth. Cato Journal*. 21. 415-26.
- Amiri. H. Nowruzi, Amouqin. F. Pirdadeh Biranvand. M. & Sh. Alizadeh. (2018). Investigating Economic Freedom on Economic Growth with a Resistive Economy Approach. *Economic Journal*. 5,6. 30-5. (In Persian).
- Apergis. N., O. Dincer. & J. E. Payne. (2012). Live Free or Bribe: On the Causal Dynamics between Economic Freedom and Corruption in US States. *European Journal of Political Economy*. 28(2). 215-26.
- Asongu. S. (2017). Does globalization promote good governance in Africa? an empirical study across 51 countries. *World Affairs*. 180(2). 105-141.
- Bafandeh Iman Doost. S., M. Ghaemi Asl. & B. Eliaspour. (2016). Assessing the Causality of Three Variables Between Economic Freedom, Financial Development and Economic Growth in Iran (Vol. 1973-2010). *Theories of Financial Economics*. 5. 106-75. (In Persian).
- Beland L. Ph. & R. Tiagi. (2009). Economic Freedom and The Resource Curse. Working Paper. Fraser Institute.
- Campbell. N. D. & T. Snyder. (2012). Economic Growth, Economic Freedom, and the Resource Curse. *Journal of Private Enterprise*. 28(1). 23-46.
- Cebula. (2013). Which Economic Freedoms Influence Per Capita Real Income? *Applied Economics Letters*. 20(4). 368-372.

Daei Karimzadeh. S. & M. Soleimani. (2017). The Effect of Economic Freedom on The Performance of Banks in Iran. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*. 19. 77-100. (In Persian).

Dawson. J. W. (2003). Causality in The Freedom–Growth Relationship. *European Journal of Political Economy*. 19. 479–95.

De Haan. J. & J.-E. Sturm. (2003). Does More Democracy Lead to Greater Economic Freedom? New Evidence for Developing Countries. *European Journal of Political Economy*. 19(3). 547–63.

Economou F. (2019). Economic Freedom and Asymmetric Crisis Effects on FDI inflows: The case of four South European economies. *Research in International Business and Finance*. 49. 114-126.

Emerson. P. M. (2006). Corruption, Competition and Democracy. *Journal of Development Economics*. 81(1). 193–212.

Fetros. M. H.; Akbari Shahrestani. F. & M. Mirzaei. (2012). Investigating the Effect of Economic Freedom on Life Expectancy A panel data Analysis of Selected Countries. Including Iran. *Journal of Economic Strategy*. 193-169. (In Persian).

Graeff. P. & G. Mehlkop. (2003). The Impact of Economic Freedom on Corruption: Different Patterns for Rich and Poor Countries. *European Journal of Political Economy*. 19(3). 605–20.

Grubel. H. (2015). Determinants of economic freedom: Theory and empirical evidence. Tech. rep. Vancouver. BC: Fraser Institute.

Gwaltney. J. D. Robert A. Lawson & Randall G. Holcombe. (1999). Economic Freedom and the Environment for Economic Growth. *Journal of Institutional and Theoretical Economics*. 155(4). 643-663.

Hadri. K. & Y. Rao. (2008). Panel Stationarity Test with Structural Breaks. *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*. 70 (2). 245–269.

Haji Yousefi. A. M. (1997). Rent. rentier state and rentierism: a conceptual study. *Political-Economic Information*. 126. 155-152. (In Persian).

Hashemi. F. (2017). Comparative Study of The Effect of Economic Freedom on The Budget Deficit in Iran. *Quarterly Journal of Financial Economics*. 41. 176-155. (In Persian).

Heckelman. Jac C. & B. Wilson. (2015). Fractionalization. Rent Seeking. and Economic Freedom. *Public Finance Review*.

Hussain M. E. & M. Haque. (2016). Impact of Economic Freedom on the Growth Rate: A Panel Data Analysis. *Economies*. 4. 5; doi:10.3390.

Islam Md. R. (2018). Wealth Inequality. Democracy and Economic Freedom. *Journal of Comparative Economics*. 46(4). 920-935.

Ben Jann, 2008. "NLCHECK: Stata module to check linearity assumption after model estimation," Statistical Software Components S456968, Boston College Department of Economics.

Jichi. S. & S. Cabro. (2019). Does Economic Freedom Determine the Control of Corruption? *Kapadokya Akademik Bakış*. 2(2). 79–96.

Khodaparast Mashhadi. M.; A. Fallahi. Mohammad & A. Ariana. (2014). Investigating the Effect of Social Capital and Economic Freedom on Iran's Economic Growth. *Journal of Macroeconomics*. 17. 98-75. (In Persian).

Liao. M. (2018). International Evidence on Economic Freedom. Governance. and Firm Performance. *International Corporate Governance and Regulation. Advances in Financial Economics*. 20. 85-103.

March. R. J. C. Lyford. & B. Powell. (2017). Causes and Barriers to Increases in Economic Freedom. *International Review of Economics and Finance*. 64(1). 87–103.

Mehlum. H. K. Moene. & R. Torvik (2006). Institutions and the Resource Curse. *Economic Journal*. 116. 1-20.

Miller. T. A. B. Kim & J. M. Roberts. (2019). Heritage Foundation Economic freedom indices. Available at <http://www.heritage.org/Index/Explore>. Accessed March 20. 2020.

Moeini Fard. M. & Mehrara. M. (2015). The Impact of Abundant Natural Resources on The Quality of Governance in Developing Countries. *Journal of Economic Development Policy*. 9. (In Persian).

Mohammadzadeh. Y. & Yahyavi Dizaj. J. (2017). The Impact of Economic Freedom on Attracting Foreign Direct Investment in Selected Countries with a GMM Approach. *Journal of Quantitative Economics*. 3. 103-73. (In Persian).

Mohammadzadeh. Y.; Hekmati F. S. & K. Mir Ali Ashrafi. (2016). Investigating the Impact of Economic Freedom on Entrepreneurship Development in Selected Countries. *Entrepreneurship Development*. 376-357. (In Persian).

Motefakker Azad. M. A.; Asadzadeh. A. Amini Khozani. M. & M. Shirkes. (2013). Analysis of The Simultaneous Effects of Economic Freedom. Human Development and Political Freedom in Selected Islamic Countries (2001-2001). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*. 13. 32-49. (In Persian).

Nakhaei. F. Khoshnoodi. A. & M. Dashtban. (2015). Investigating the Interactive Effect of Economic Freedom and Foreign Direct Investment on Economic Growth Using GMM Approach. *Journal of Economic Development Policy*. 8. 129-95. (In Persian).

Nordin N. N. & N. H. Nordin. (2017). The Role of Economic Freedom in Research and Development- Productivity Growth Nexus: Study Based on Different Income Level on Developing Countries. *Journal of Economic Cooperation and Development*. 38. 1. 1-28.

Pesaran. M. H. & T. Yamagata. (2007). Testing slope homogeneity in large panels. *Econometrics*. MDPI. 142 (1).50.

Pourjavan. A.; A. Shahabadi. M. Ghorbannejad & H. Amiri. (2014). The Impact of Abundant Natural Resources on The Governance Performance of

Selected Oil and Developed Countries: GMM Panel Approach. *Quarterly Journal of Economic Modeling Research*. 4. 32-1. (In Persian).

Powell. B. & Matt E. Ryan. (2006). Does Development Aid Lead to Economic Freedom? *Journal of Private Enterprise*. 22(1). 1-21.

Rahmani. T.; Behpour. S. & R. Shojauddin. (2013). Investigating the Effect of Economic Freedom on The Economic Fluctuations of Selected Developing Countries. *Journal of Applied Economic Research*. 3.. 131-150. (In Persian).

Razmi. A. A.; M. J. Razmi. & S. Shahraki. (2009). The Impact of Economic Freedom on Economic Growth with the Approach of the Institutional School: A Study of Science. *Journal of Knowledge and Development*. 28.. 127-157. (In Persian).

Rezaei. M.; K. Yavari. M. Ezzati & M. Etesami. (2015). Investigating the Effect of Abundant Natural Resources (Oil and Gas) On Financial Repression and Economic Growth Through the Channel Affecting Income Distribution. *Iran Energy Economics Research*. 14. 89-122. (In Persian).

Sachs. D. J. & A.M. Warner (1995). Natural Resource Abundance and Economic Growth. NBER Working Paper Series No. 5398. National Bureau of Economic Research.

Samadi, A. H., & Owjimehr, S. (2021). Does Economic Globalization Have a Similar Effect on Governance for All Countries in the World? *Dynamics of Institutional Change in Emerging Market Economies: Theories, Concepts and Mechanisms*, 213.

Sameti. M.; Gugerdchian. M. & A. Gugerdchian (2010). Theoretical and Experimental Analysis of the Impact of Economic Freedom on Expenditure Cost: A Case Study of OECD Countries. *Journal of Economic Research*. 2. 95-113. (In Persian).

Sameti. M.; Shahnazi. R. & Z. Dehghan Shabani. (2006). Investigating the Effect of Economic Freedom on Financial Corruption (Case Study with

Panel Data Approach). *Iranian Journal of Economic Research*. 28. 89-110. (In Persian).

Sattari. O.; Yavari. K. Heidari. H. & M. Etemadi. (2016). Investigating the Effect of Monetary and Financial Freedom on The Transparency of Monetary Policy in Low-Income. Middle-Income and High-Income Countries. *Journal of Applied Theories of Economics*. 4. 153-176. (In Persian).

Shahabadi. A. & Sadeghi. H. (2014). Natural Resources Abundance and GDP Per Capita in Oil Countries with Emphasis on Economic Freedom. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*. 20. 98-79. (In Persian).

Shahabadi. A. & Ganji. M. (2015). The Impact of Good Governance on The Economic Freedom of Selected Countries in The Mena Region. *Journal of Economy and Regional Development*. 9. 288-264. (In Persian).

Shahabadi. A. & Moradi. A. (2016). The Interaction of Abundance of Natural Resources and Economic Freedom on Private Sector Investment in Selected Oil Exporting Countries. *Economic Research*. 4. 831-858. (In Persian).

Shahabadi. A.; Sari Gol. S. & H. Tanhaei. (2015). Governance and Economic Freedom (Case Study of D8 and G7 Group Countries). *Quarterly Journal of Macro and Strategic Policies*. 12. 123-148. (In Persian).

Shahabadi. A. & Bahari. Z. (2014). The Impact of Political Stability and Economic Freedom on the Economic Growth of Selected Developed and Developing Countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*. 16. 53-72. (In Persian).

Shahabadi. A. & Jameh Bozorgi. A. (2014). The Impact of Economic. Political and Civil Freedom on Immigration (with Emphasis on Elite Migration). *Journal of Majlis and Rahbord*. 77. 41-69. (In Persian).

Sayari. N. R. Sari. & Sh. Hammoudeh. (2018). The Impact of Value-Added Components of GDP And FDI On Economic Freedom in Europe. *Economic Systems*. 42(2). 282-294.

Tao Xu. (2019). Economic Freedom and Bilateral Direct Investment. *Economic Modelling*. 78. 172-179.

Tortensson. J. (1994). Property Rights and Economic Growth: An Empirical Study. *Kyklos*. 47. 231-47.

Yamarik S. & Ch. Redmon (2017). Economic Freedom and Corruption: New Cross-Country Panel Data Evidence. *Journal of Private Enterprise*. 32(2). 17-44.

Yamarik S. & Ch. Redmon (2017). Economic Freedom and Corruption: New Cross-Country Panel Data Evidence. *Journal of Private Enterprise*. 32(2). 17-44.

